



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

تاریخ: ۲۱ مهر ۱۳۹۸

مصادف با: ۱۴ صفر ۱۴۴۱

جلسه: ۱۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۵۸۴ بود. عرض شد که این مسأله دو فرض دارد که بعد از بررسی فرض اول، به بررسی فرض دوم پرداخته شد و عرض شد که فرض دوم، دو صورت دارد که صورت اول آن، این بود که اگر شخصی در اثناء وضو، در اتیان بعضی از اجزاء یا شرائط وضو شک کند، باید برگردد و آن شرط یا جزء مشکوک را انجام دهد و ما بعد آن را نیز انجام بدهد و وضویش را تمام کند.

دلیل‌های حکم مذکور در صورت اول، ادعای اجماع و عدم خلاف و صحیح زراره بودند. مضمون آن روایت، این بود که در موردی که شخص هنوز مشغول وضو گرفتن است، اگر در جزء یا شرطی از اجزاء و شرائط وضو شک کند، باید آن جزء مشکوک را اعاده کند و نمی‌تواند با تمسک به قاعده تجاوز به عدم لزوم اعاده حکم کند. اما این روایت معارض دارد که به روایت موثق ابن ابی یعفور به عنوان معارض، اشاره شد و عرض شد که این موثق بر عدم لزوم اعاده جزء مشکوک دلالت دارد و از این روایت و روایت صحیح دیگری از زراره و نیز صحیح اسماعیل بن جابر [که مؤید موثق ابن ابی یعفور می‌باشند و در جلسات گذشته ذکر شدند] استفاده می‌شود که در موارد شک در اثناء وضو، به قاعده تجاوز تمسک می‌شود.

در ادامه عرض شد که بین موثق ابن ابی یعفور و صحیح زراره تعارض وجود دارد که عده‌ای برای رفع این تعارض سه راهکار ارائه داده‌اند که آنها در جلسه گذشته ذکر شدند و اشکالات وارده بر آن سه راهکار نیز ذکر شدند.

قول به جمع عرفی بین موثق ابن ابی یعفور و صحیح زراره

عده‌ای نیز بین موثق ابن ابی یعفور و صحیح زراره جمع عرفی کرده‌اند و گفته‌اند که در مورد شک در اثناء وضو، قاعده تجاوز که مقتضای موثق ابن ابی یعفور است، جاری می‌شود و صحیح زراره بر امر استحبابی حمل می‌شود، یعنی اگر شخص مشغول مسح سر باشد و در شستن دست راست شک کند، با تمسک به قاعده تجاوز، به عدم اعتنا به شک مذکور، حکم می‌شود، اما امر به اعاده وضو [فَاعِدْ عَلَيْهِمَا] که در صحیح زراره آمده است، بر استحباب حمل می‌شود و در نتیجه، به این نحو بین این دو روایت جمع می‌شود و تعارض برطرف می‌گردد.

مرحوم آیت الله خویی (ره) به جمع عرفی مذکور، اشکال کرده و فرموده است که با توجه به اینکه اجماع مسلم در کنار روایت صحیح زراره وجود دارد، نمی‌توان در صحیح زراره تصرف کرد و امر به اعاده وضو که در این صحیح آمده است را بر استحباب حمل کرد، بلکه باید در موثق ابن ابی یعفور تصرف کرد و این موثق را بر قاعده فراغ حمل کرد.

انصاف این است که گفته شود که ظاهر موثقہ ابن ابی یعفر بر قاعده فراغ دلالت دارد. توضیح، اینکه معنای «ان شککت فی شیء من الوضوء»، این است که اگر در جزئی از اجزاء وضو شک کردی که نتیجه چنین شک، شک در صحت وضو می شود و معنای «و قد دخلت فی غیره»، بنا بر اینکه ضمیر «غیره» به وضو برگردد، این است که اگر در جزئی از اجزاء وضو شک کردی که نتیجه آن، شک در صحت وضو است و از وضو فارغ شدی و در غیر وضو داخل شدی، به شک مذکور، اعتنا نمی شود. بنابراین، آن قاعده ای که از روایت موثقہ مذکور، به دست می آید، قاعده تجاوز نیست، بلکه قاعده فراغ است لذا تعارضی بین روایت صحیحہ زرارہ و موثقہ ابن ابی یعفر نیست، خصوصاً با توجه به ذیل روایت صحیحہ زرارہ [«...فَإِذَا قُمْتَ عَنِ الْوُضُوءِ وَفَرَعْتَ مِنْهُ وَقَدْ صِرْتَ فِي حَالٍ أُخْرَى فِي الصَّلَاةِ أَوْ فِي غَيْرِهَا فَشَكَّكَتَ فِي بَعْضِ مَا سَمَى اللَّهُ مِمَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْكَ فِيهِ وَضُوءَهُ لَا شَيْءَ عَلَيْكَ فِيهِ...»]^۱ که این ذیل که به شک بعد از فراغ از وضو اشاره دارد نیز بر قاعده فراغ دلالت دارد و از این جهت با موثقہ ابن ابی یعفر هماهنگ است. نتیجه، اینکه معنای شک در جزئی از وضو به شک در صحت وضو [که مفاد کان ناقصه است،] بازگشت می کند و لذا اگر شخص از وضو فارغ شد و در غیر وضو داخل شد، به شکش اعتنا نمی کند و در نتیجه، بین موثقہ و صحیحہ تعارضی نیست چون موثقہ به بعد از فراغ از عمل مربوط است و صحیحہ به اثناء عمل مربوط است و مؤید اینکه بعد از فراغ از عمل، به شک اعتنا نمی شود، ذیل خود صحیحہ است که به آن اشاره شد.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که درباره مرجع ضمیر [فی غیره] که در موثقہ آمده است، دو احتمال موجود است؛ یک احتمال این است که ضمیر «غیره» به وضو برمی گردد زیرا «الأقرب يمنع الأبعد» و چون «وضو» نزدیک ترین کلمه به لفظ «غیره» است؛ اما عده ای گفته اند که ضمیر «غیره» به «شیء» برمی گردد. مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که پس مرجع ضمیر مجمل است. لفظ وضو اقرب از کلمه شیء است و معنای این حرف این است که اگر شخص در جزئی از وضو شک کند، در حالی که در غیر وضو داخل شده است، قاعده فراغ جاری می شود و به شک اعتنا نمی شود لذا موثقہ ابن ابی یعفر با صحیحہ زرارہ تعارض ندارد چون موثقہ بر قاعده فراغ دلالت دارد و موثقہ بر عدم اعتنا به شک در اثنا از باب قاعده تجاوز دلالت ندارد. بله! اگر قاعده تجاوز از موثقہ استفاده می شد، تعارض بین موثقہ و صحیحہ درست بود چون موثقہ بر عدم اعتنا به شک در اثناء وضو دلالت داشت، ولی صحیحہ بر اعتنا به شک در اثناء وضو دلالت دارد، لکن موثقہ دال بر قاعده فراغ است و می گوید که اگر شک بعد از فراغ باشد، وضو مشکلی ندارد.

بر فرض که گفته شود که مرجع ضمیر مجمل است، باز وجهی ندارد که از صحیحہ صرف نظر شود چون صحیحہ زرارہ حجت است و از حجت نمی توان به راحتی دست برداشت مگر اینکه چیزی اقوی و أظهر از صحیحہ باشد و فرض این است که موثقہ اقوی و أظهر از صحیحہ نیست، بلکه آنچه می تواند رافع ابهام باشد، صحیحہ زرارہ است، یعنی اگر اجمالی پیش آمد، به دلیل اقوی آن اجمال برطرف می شود، نه اینکه اجمال، دلیل اقوی را از بین ببرد لذا چون صحیحہ اقوی و أظهر است، حجیت صحیحہ قرینه بر رفع اجمال مرجع ضمیر در موثقہ قرار داده می شود. عام که مقتضای صحیحہ زرارہ باشد، این است که می گوید که اگر در اثناء وضو شک شود، باید شخص برگردد و آن جزء مشکوک را اعاده کند، ولی مقتضای موثقہ ابن ابی یعفر، حکم مخصص منفصل

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۴۲، ص ۴۶۹، ح ۱.

مجمل را پیدا کرده است و می‌گوید که در مورد شک در اثناء وضو، نیاز نیست که شخص برگردد و جزء مشکوک را اعاده کند، بلکه قاعده تجاوز را جاری می‌کند که در این صورت که عام به مخصص منفصل مجمل تخصیص خورده است و امر بین تخصیص و تخصّص دائر شده است، عام به خاطر ظهوری که دارد، می‌تواند اجمال مخصص را از بین ببرد و موجب شود که آن مجمل بر تخصص حمل شود، «أَکْرَمُ الْعُلَمَاءِ» و بعد، «لَا تَکْرَمُ زَيْدًا». پس امر بین زید عالم و زید جاهل دائر می‌شود که چون ظهور عام «أَکْرَمُ الْعُلَمَاءِ» حجت است، مجمل بر تخصص حمل می‌شود و گفته می‌شود که زید جاهل، تخصّصاً از دائره حکم خارج است و در نتیجه، از حجت اقوی تبعیت می‌شود و لازمه آن، این است که دلیل منفصل بر تخصص حمل می‌شود و لذا زید جاهل از معرکه خارج است.

بنابراین، صحیحه زراره در عدم جریان قاعده تجاوز در صورت شک در اثناء وضو، ظهور دارد و چیزی نیز با آن مزاحمت ندارد و ضمیر «فی غیره» که در موثقه آمده است نیز به قرینه این صحیحه که اقوی و أظهر است، به وضو برمی‌گردد و لذا صحیحه در مورد شک در اثناء است و موثقه درباره قاعده فراغ است و این دو ربطی به هم ندارند.

صورت دوم [از فرض دوم از مسأله ۵۸۴]، این است که اگر شک مورد نظر، بعد از فراغ از وضو و در غیر جزء آخر باشد، با تمسک به قاعده فراغ به صحت وضو حکم می‌شود و همچنین، اگر شک در جزء آخر باشد، ولی متوضّی وارد عمل دیگری شده باشد یا بعد از جزء آخر مدت طولانی ننشسته باشد یا از محل وضو بلند شده باشد [که در این صور نیز با تمسک به قاعده فراغ به صحت وضو حکم می‌شود]. اما اگر شک در جزء آخر باشد، ولی متوضّی هنوز وارد عمل دیگری نشده باشد یا مدت زیادی ننشسته باشد یا از محل وضو بلند نشده باشد، یعنی اگر موالات به هم نخورده باشد، او آن جزء مشکوک را دوباره انجام می‌دهد و وضویش صحیح است، ولی اگر موالات به هم خورده باشد، او دوباره از ابتدا وضو می‌گیرد.

اگر شک بعد از فراغ از وضو و در غیر جزء آخر باشد، با تمسک به قاعده فراغ به صحت وضو حکم می‌شود. مرحوم سید (ره) نیز فرموده است که در موردی که شک بعد از فراغ از وضو و در غیر جزء آخر باشد، با تمسک به قاعده فراغ به صحت وضو حکم می‌شود.

دلیل حکم مذکور، اصل عقلانی عدم سهو و غفلت است، یعنی اصل این است که شخص از روی توجه و آگاهی وضو گرفته است و بعد از فراغ از وضو که شک کرده است، اصل عدم سهو و غفلت، صحت وضو را اقتضا می‌کند.

به علاوه، روایاتی نیز وارد شده‌اند که بر صحت وضو در فرض مذکور، دلالت دارند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: ذیل روایت صحیح زراره است که قبلاً اشاره شد: «...فَإِذَا قُمْتَ عَنِ الْوُضُوءِ وَفَرَعْتَ مِنْهُ وَقَدْ صِرْتَ فِي حَالٍ أُخْرَى فِي الصَّلَاةِ أَوْ فِي غَيْرِهَا فَشَكَّكَتَ فِي بَعْضِ مَا سَمَى اللَّهُ مِمَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْكَ فِيهِ وُضُوءُهُ لَا شَيْءَ عَلَيْكَ فِيهِ...»^۱.

روایت دوم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ؛ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «كُلُّ مَا مَضَى مِنْ صَلَاتِكَ وَطَهْرِكَ فَذَكَرْتَهُ تَذَكُّراً فَأَمْضِهِ وَلَا إِعَادَةَ عَلَيْكَ فِيهِ»^۲.

«فأَمْضِهِ» به معنای این است که آن را انجام شده تلقی کن.

۱. همان.

۲. همان، ص ۴۷۱، ح ۶.

روایت سوم: موثقہ بکیر بن أعین: عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعِينٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَشْكُ بَعْدَ مَا يَتَوَضَّأُ؛ قَالَ: «هُوَ حِينَ يَتَوَضَّأُ أَذْكَرُ مِنْهُ حِينَ يَشْكُ»^۱.

سه روایت مذکور، بر صحت وضو در فرض مذکور، دلالت دارند.

«الحمد لله رب العالمين»